



۲۰۱۶/۰۴/۲۸



رسول پويان

تاج ستمگری

تخت سکندری به کهیزی نمی خرم
ودمان مصر را به عزیز می خرم
سوگند می خورم که کنیزی نمی خرم
زور تفنگ و خنجر تیزی نمی خرم
زین دادگاه ظلم ممیزی نمی خرم
ازیب و طرح سینه ریزی نمی خرم
با نو عروس خسته جهیزی نمی خرم
کندوی شهد و گوی کلیزی نمی خرم
گر پرغه بود توسن خیزی نمی خرم
قانع به پنبه ام و قهیزی نمی خرم
دیگر فریب طعم لذیذی نمی خرم

تاج ستمگری به پیشیزی نمی خرم
یوسف نیم که منصب شاهی کنم طلب
عالم اگر پر از حور و غلمان شود ولی
جلاد نیستم که کشم تیغ خونچکان
سرمایه تا ستم به جهان بشر کند
از زرگری که غش زند درطلای ناب
رسم دوگانه زیستن از کله ها گریخت
زنبور اگر چو مار زند نیش بر جگر
رهوار نرم را ندهم با درشت گام
پوشاک کهنه ام نرساند زیان به کس
لطف غذای ساده من در بهشت نیست

از طرح نام تقلید و تکرار خسته ام
باز و دوباره هم و نیز می خرم

2016/1/20



د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دلپکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولئ